

ظهور داعش و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به‌وجودآمده برای ایران^۱

رضا رضایی^۲

سید صدرالدین موسوی جشنی^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۱۷

چکیده

ظهور داعش در منطقه خاورمیانه و در سرزمین‌های هم‌جوار ایران و حمایت بعضی از کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای از این جریان، چالش‌ها و تغییرهایی عمیق را در معادلات منطقه‌ای ایجاد کرده‌است. گرچه ایران به‌عنوان یک کنش‌گر منطقه‌ای عمده، در نتیجه ظهور داعش با چالش‌هایی عمده روبه‌رو شد، در عین حال فرصت‌هایی جدید نیز در اختیار جمهوری اسلامی قرار گرفت. ایران به‌عنوان نماینده اسلام غیرخشونت‌ورز با ظهور این گروه تروریستی، با چالش‌هایی در عرصه‌های مختلف گفتمانی، امنیتی و سیاسی روبه‌رو شده‌است؛ در عین حال، فرصت‌هایی مناسب نیز به دلیل فعالیت‌های این گروه برای معرفی اسلام خشونت‌پرهیز پیش‌آمده‌است. پژوهش حاضر، تلاشی است برای یافتن پاسخ این پرسش که «ظهور داعش، جمهوری اسلامی ایران را با چه چالش‌ها و فرصت‌هایی روبه‌رو ساخته‌است؟»؛ داده‌های لازم به روش کتابخانه‌ای، گردآوری و به‌عنوان مطالعه‌ای موردی به شیوه توصیفی - تحلیلی واکاوی شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که تهدیدهای داعش با تغییر در معادلات منطقه‌ای برای ایران در حوزه‌های گفتمانی، امنیتی و ایدئولوژیک، برجسته‌است؛ در عین حال، فرصت‌های ظهور داعش برای ایران عبارت‌اند از: تمایز میان اسلام خشونت‌ورز و اسلام خشونت‌پرهیز، آشکارشدن ماهیت ضدتروریستی ایران برای جهان، برجسته‌شدن قدرت منطقه‌ای و تأثیرگذاری ایران در منطقه.

واژگان کلیدی: داعش، تکفیر، اسلام خشونت‌ورز.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی است.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهشگاه امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.

۳. استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی. (نویسنده مسئول:

sadrmoosavi@gmail.com)

مقدمه

ظهور و سیر نزولی گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق، معادلات موجود منطقه را به کلی دستخوش تغییر کرده است؛ در نتیجه، نقش کنش‌گران بین‌المللی و منطقه‌ای نیز، به تفاوت‌های اساسی، دچار شده است؛ فعالیت‌های این گروه به‌عنوان بازیگری غیرمنطقی و خشونت‌ورز، معادلات منطقه‌ای را متحول و شرایطی حساس را برای بازیگران منطقه‌ای به‌وجود آورده است. به‌طبع، این شرایط، جهت‌گیری‌هایی خاص را برای حل بحران یادشده می‌طلبد. گرچه داعش از لحاظ نظامی در حال افول است، از آنجاکه این گروه، رقیب گفتمانی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در نتیجه فعالیت آن در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی تحت تأثیر قرار گرفته است؛ البته، تأثیر فعالیت داعش تنها به‌صورت تهدید و به‌چالش کشیدن منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیست و فرصت‌هایی گوناگون نیز در نتیجه فعالیت این گروه برای ایران به‌وجود آمده است؛ شناخت این موارد و در مجموع، شناخت اهداف و تمایل‌های این گروه می‌تواند برای تدوین راهکارها (استراتژی‌ها) و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌منظور مقابله با این گروه تروریستی و همچنین حضور فعال در معادلات منطقه‌ای، مؤثر باشد؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تهدیدها و فرصت‌هایی است که به‌واسطه فعالیت داعش برای جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه‌ای پیش‌آمده است.

بدیهی است که شناخت این چالش‌ها و فرصت‌ها از بُعد استراتژیک برای سیاست‌گذاران و مسئولان جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد و عدم توجه به‌موقع آنها به این موضوع، می‌تواند معادلات منطقه‌ای را به تغییرهایی عمده، برخلاف منافع ملی ایران و حامیان منطقه‌ای آن دچار کند. پرسش این پژوهش، عبارت است از اینکه «ظهور داعش، جمهوری اسلامی ایران را با چه چالش‌ها و فرصت‌هایی روبه‌رو ساخته است؟».

داده‌های لازم، به روش کتابخانه‌ای، گردآوری و به‌عنوان مطالعه‌ای موردی با روش توصیفی - تحلیلی تجزیه و تحلیل شد.

الف - بستر تاریخی ظهور داعش

پیش از پرداختن به چالش‌ها و فرصت‌های ایجادشده توسط داعش برای ایران، مناسب است به بستر تاریخی ظهور داعش و ریشه‌های کلامی و ایدئولوژیک این گروه نیم‌نگاهی انداخته شود.

ظهور داعش، ممکن است از لحاظ سرعت عمل و فراگیری فتوحات سرزمینی این گروه در دوران معاصر، پدیده‌ای نوظهور به‌نظر برسد اما ریشه‌های آن را از لحاظ کلامی و ایدئولوژیک می‌توان در تاریخ اسلام جستجو کرد. یکی از مسائلی مهم که مسلمانان از صدر اسلام تاکنون با آن، مواجه بوده‌اند، پدیده «تکفیر» است. تاریخ اسلام، گویای حوادثی غم‌انگیز است که بر اثر تکفیرهای نابه‌جا و ایجاد فضای مسموم، از پیشرفت و آزادی اندیشه‌های خلاق و مبتکر، جلوگیری کرده و بسیاری از جوامع اسلامی را به رکود فکری دچار کرده‌است؛ این پدیده شوم، عصر ما را نیز به عصر اتفاق‌های غم‌انگیز و دردناک تبدیل کرده‌است.

اولین جرقه ظهور گروه‌های تکفیری، در قرن اول هجری و در میان خوارج زده‌شد؛ اعمال آنها پس از تکفیر مسلمانان و کشتن بی‌گناهان و برهم‌زدن امنیت جامعه اسلامی، به‌شدت با مخالفت امام علی (ع) مواجه شد و سرانجام به جنگ خونین نهروان و شکست سنگین خوارج انجامید؛ اگرچه خوارج از میان رفتند، روح آنها در جسم افراد و گروه‌هایی دیگر حلول کرد و حوادثی تلخ را در تاریخ اسلام رقم زد.

ابن تیمیه با طرح مسئله حرمت بدعت‌گذاری در دین، به تکفیر مسلمانان پرداخت و اندیشه‌های خشن خود را در میان شاگردانش رواج داد. با وجود اینکه ابن تیمیه برای پیاده‌کردن افکار و اندیشه‌های خود در جامعه اسلامی، بسیار سعی کرد، به دلیل رد افکارش توسط علمای مذاهب اربعه اهل سنت و عدم همکاری و حمایت حاکمان اسلامی از او، راه‌به‌جایی نبرد و اندیشه‌هایش مطرود اعلام شد (شوکانی، ۱۴۲۹: ۹۷ و ابن حجر، ۱۴۱۴: ج ۱، ۱۴۷)؛ این افکار در میان کتاب‌ها مانند تائینکه در قرن دوازدهم هجری، محمد بن عبد الوهاب، آنها را به‌اجرا آورد؛ او با محمد بن سعود، متحد شد و قدرت خاندان سعودی را پشتوانه ترویج آیین خود و سرکوب مخالفان قرارداد. آیین وهابیت با قدرت گرفتن آل سعود و گسترش قلمرو آنها در کل شبه‌جزیره عربستان، دیگر مذاهب اسلامی را به حاشیه راند و با تکیه بر دلارهای نفتی، خشونت‌گرایی مذهبی را به‌عنوان دین اسلام به جهانیان معرفی کرد.

علاوه بر تلاش وهابیت برای ترویج افکار افراطی خود، تحولات جهان اسلام نیز سهمی بسزا در شکل‌گیری گروه‌های تکفیری داشتند؛ تحولاتی که پس از جنگ جهانی دوم در مصر اتفاق افتادند و به دستگیری اخوانی‌ها ختم‌شدند و زمینه‌های گرایش گروهی از اعضای اخوان از جمله سید قطب را به رادیکالیسم فراهم کردند. اگرچه اندیشه‌های تکفیری، نتیجه کج‌فهمی و انحراف از افکار سید قطب است، دوقطبی‌سازی دارالاسلام و دارالکفر و مفاهیمی مانند جاهلیت مدرن، جهاد با کفار و... که

مفاهیم اصلی در آثار او بودند، به‌شدت بر افکار گروه‌های جهادی در افغانستان تأثیر گذاشتند و به کسب مهارت‌های جنگی و افراطی‌تر شدن آنها انجامیدند. (پولی)

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باعث شد تا آمریکا حدود یک دهه پس از پایان جنگ شوروی و افغانستان، به متحدان دیرین خود به بهانه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی حمله کند؛ این جنگ نیز مانند جنگ شوروی و افغانستان، موجب افراطی‌تر شدن گروه‌های جهادی شد؛ علاوه‌براین، آمریکا باردیگر در سال ۲۰۰۳ به عراق حمله کرد و صدام حسین را از قدرت برکنار ساخت؛ با سرنگونی صدام از قدرت و ازمیان رفتن فضای سنگین ترور و وحشتی که بعثی‌ها در عراق حاکم کرده بودند، شرایطی مناسب برای فعالیت گروه‌های جهادی در این کشور، فراهم شد اما اکنون، دیگر جهاد آنها جهاد ضد کمونیست‌های بی‌دین یا غربی‌ها نبود بلکه مبارزه گروه‌های نوظهور خشونت‌ورز با عنوان آنچه به اصطلاح «جهاد» اعلام شد، به مسلمان‌ستیزی و تکفیر مسلمانان تبدیل شد (زارعی، ۱۳۹۴: ۱۶۵)؛ این تحول راهبردی، به‌شدت برای غربی‌ها و رژیم صهیونیستی، مطلوب بود، زیرا از تکفیری‌ها در جهت رسیدن به اهداف استکباری خود و ضربه‌زدن به گفتمان رقیب، یعنی اسلام سیاسی بهره‌گرفتند؛ این روند در سال ۲۰۱۴ به مرحله‌ای جدید وارد شد و گروه موسوم به «داعش» شکل گرفت. با ظهور داعش، معادلات منطقه‌ای به‌شدت دستخوش تغییر شد و به‌خصوص، ایران را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخت تا آنجاکه ایران برای حفظ منافع ملی و سرزمینی خود، بایستی به این چالش‌ها پاسخ می‌داد اما، فرصت‌هایی نیز برای ایران به‌وجود آمد؛ این چالش‌ها و فرصت‌ها در بندهای زیر، به‌طور مختصر واکاوی می‌شوند.

ب - چالش‌ها

ظهور داعش، ایران را در حوزه‌هایی متفاوت با چالش روبه‌رو ساخته است؛ عمده‌ترین این چالش‌ها در خطوط زیر بررسی شده‌اند:

۱- تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین، حیاتی‌ترین و فوری‌ترین هدف سیاست خارجی هر کشوری، حفظ موجودیت و تأمین امنیت ملی آن کشور است؛ جمهوری اسلامی ایران هم از این قاعده مستثنی نیست و ناگزیر از تأمین امنیت ملی و صیانت از مرزهای سرزمین خویش است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۴۸)؛ در واقع، حفظ امنیت ملی هر کشوری از منافع وجودی آن کشور است و در صورت تهدید آن، موجودیتش نیز

تهدیدمی شود.

عملکرد داعش در جریان جنگ سوریه و عراق نشان‌داد که این گروه تروریستی، یک بازیگر افراطی غیرعقلانی است که هر قرائت اسلامی به‌غیر از قرائت خود از اسلام، به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران را، «دیگر» خود می‌داند؛ در واقع، ایدئولوژی داعش با «غیریت‌سازی» ایران و سایر قرائت‌های اسلامی مخالف به‌جای غیرت‌سازی غرب و اسرائیل نشان‌داد که به‌طور عمده ضدشیعی و ضداسلامی است تا ضدغربی.

به‌تازگی با پیشروی ارتش و نیروهای مردمی عراق و سوریه، به‌شدت از قدرت داعش کاسته شده‌است اما ثروت بادآورده این گروه و حمایت حامیان غربی، عبری و عربی آن، به او امکان می‌داد تا از طریق غیرقانونی به تسلیحات متعارف و غیرمتعارف دست یابد.

اکنون بسیاری از مناطق تحت نفوذ داعش، آزاد شده‌است و در اختیار دولت‌های عراق و سوریه قرار گرفته‌است؛ بنابراین، فعالیت تکفیری‌ها، مرزهای جمهوری اسلامی ایران را با هیچ خطری مواجه نمی‌کند اما نباید امنیت جمهوری اسلامی ایران را در حصار مرزهای آن جستجو کرد. خط مقدم جبهه مبارزه ضد داعش و حامیان آن، تنها در مرزهای سرزمین ایران نمی‌گنجد و امروزه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرتمندترین کشور منطقه، عمق استراتژیک خود را تا مرزهای جنوبی لبنان با رژیم صهیونیستی گسترش داده‌است. سرلشگر صفوی، دستیار و مشاور عالی فرماندهی کل قوا در این باره گفت:

قدرت نفوذ ایران از محور ایران، عراق و سوریه تا مدیترانه رسیده و این سومین بار است که قدرت نفوذ ایران تا مدیترانه گسترده شده‌است. خط دفاعی ما دیگر شلمچه نیست، مرز دفاعی ما جنوب لبنان با اسرائیل است و عمق دفاع استراتژیک ما تا کنار مدیترانه و بالای سر اسرائیل رسیده‌است. نگرانی غربی‌ها از توسعه نفوذ قدرت ایران از خلیج فارس تا مدیترانه است (صفوی: ۱۳۹۳/۲/۱۲).

اکنون عمق استراتژیکی جمهوری اسلامی ایران به کابوسی برای غربی‌ها و متحدان منطقه‌ای آنها تبدیل شده و داعش برای مقابله با چنین کابوسی آفریده شده‌است.

علاوه‌براین، اظهارهای اخیر مقام‌های سیاسی اقلیم کردستان، از آن، حاکی است که ظهور داعش، باعث تطمیع کردهای عراق برای اعلام استقلال شده‌است. پیش‌مرگان اربیل، داعش را موهبتی الهی می‌دانند که آنها را به نزدیک‌ترین حد برای رسیدن به اهداف سیاسی خود رسانده‌است (تودنهورفر، ۱۳۹۴: ۵۲)؛ در این راستا، پس از فروپاشی نیروهای دولتی در موصل و تکریت، مسعود

بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق، خواستار برگزاری همه‌پرسی برای اعلام استقلال اقلیم از عراق شد (۲۰۱۴، *Al Marashi*). مسرور بارزانی، پسر مسعود بارزانی و رئیس شورای امنیت کردستان عراق نیز، پس از پیروزی‌های ارتش عراق در فلوجه گفت: «عراق باید پس از شکست تروریست‌های تکفیری داعش به سه موجودیت جداگانه تقسیم‌شود»؛ او انجام این امر را برای جلوگیری از خونریزی‌های فرقه‌ای آینده ضروری دانست؛ مسرور همچنین گفت: «عراق باید براساس خطوط قومی و فرقه‌ای و با اعطای حکومت به هر سه گروه مسلمانان شیعه، سنی و کردها تقسیم‌شود»؛ او در ادامه افزود: «فدراسیون پاسخ‌نهاد پس یا باید کنفدراسیون باشد یا جدایی کامل؛ اگر سه دولت کنفدرالی داشته‌باشیم، سه پایتخت برابر خواهیم داشت که هیچ‌یک از آنها بالاتر از دیگران نیست» (Chmaytelli & Coles: 2016)؛ این سخنان، تکرار موضعی است که سال‌هاست از طرف غربی‌ها برای تجزیه عراق مطرح می‌شود. جوزف بایدن، رئیس کمیسیون امور خارجی سنای آمریکا از حزب دموکرات، در سال ۲۰۰۶ طرحی را مطرح کرد که بر تجزیه عراق، ناظر بود؛ بایدن در طرح خود، تشکیل سه منطقه خودمختار شیعیان، اهل تسنن و کردها را در عراق، خواستار شده بود (Biden, 2016). تشکیل کشور کردنشین در مرزهای غربی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدی جدی برای کشور است، چراکه این منطقه همواره به‌عنوان مکانی امن برای گروهک‌های تروریستی، به‌ویژه «پژاک» بوده و آنها را از تعقیب نیروهای دولت ایران و ترکیه مصون‌داشته‌است.

۲- چالش گفتمانی: بدیل‌سازی در مقابل اسلام سیاسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری گفتمان اسلام سیاسی، گفتمان‌های رقیب به‌فکراتادند، خوانش‌هایی دیگر از اسلام را تقویت‌کنند. گفتمان انقلاب اسلامی ایران، پرچم اعتراض ضد استکبار را به‌اهتزازدرآورد و با تمام وجود به مبارزه با آن پرداخت؛ علاوه‌براین، شکست‌های پی‌درپی اعراب از اسرائیل و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قدرت گفتمان اسلام سیاسی را به رهبری ایران، به‌شدت بالا برد. با فروپاشی بلوک شرق، غرب، یکه‌تاز میدان مبارزه با اسلام سیاسی شد اما غربی‌ها به‌خوبی پی‌بردند که با حمایت از سکولارها در مقابل اسلام‌گرایان انقلابی به اهداف خود دست‌نخواهندیافت؛ گزینه ممکن، خلق نمونه‌ای جعلی از گفتمان اسلام سیاسی بود. غرب با میدان‌دادن به داعش و حمایت از جنایات تروریستی آنها تلاش کرد، داعش را پرچم‌دار اسلام سیاسی معرفی کند و روحی تازه در جوانان عرب سرخورده از فضای حاکم بر کشورهای عرب بدمد تا آنان

را به این گروه جذب‌کند؛ درواقع، این سازمان، فرقه‌ای مذهبی و دینی نیست بلکه گروهی تروریستی است که می‌خواهد به بدیل‌سازی تقلبی از گفتمان اسلام انقلابی و سیاسی بپردازد (فاخری، ۱۳۹۴: ۸۸)؛ هدف، آن است که داعش به‌مثابه «دیگر» اسلام سیاسی ایران در منطقه، نقش ایفاکند. گفتمان داعش، مفاهیمی از جمله حاکمیت الهی، برپایی حکومت اسلامی، ظلم‌ستیزی، جهاد و شهادت و حتی مهدویت و موعودگرایی را که از مفاهیم اصلی گفتمان اسلام سیاسی هستند، به‌گونه‌ای نمایش می‌دهد که چهره‌ای خشونت‌آمیز از اسلام به جهانیان ارائه‌کند و خوراک تبلیغاتی رسانه‌های غربی را فراهم‌سازد.

ادعان به حمایت غربی‌ها از داعش، تنها بعد خارجی مسئله را دربرمی‌گیرد درحالی‌که عوامل داخلی جهان اسلام نیز تأثیری بسزا در مطرح‌شدن داعش داشته‌اند. تحولات سال ۲۰۱۱ در کشورهای عربی، مؤید این مدعا بود اما مسیر حرکت بیداری اسلامی با دخالت ائتلاف غربی، عبری و عربی منحرف شد و بی‌نتیجه‌ماند؛ یأس و ناامیدی ناشی از این شکست، جوانان کشورهای عربی را به سمت افراط‌گرایی بیشتر سوق‌داد و جوانان انقلابی ناکام، داعش را که داعیه‌دار احیای اسلام سیاسی و ایجاد خلافت اسلامی بود، قبول کرده، از آن استقبال کردند (فاخری، ۱۳۹۴: ۸۸).

امنیت ملی ایران، تنها به حفظ تمامیت ارضی کشور یا حاکمیت و استقلال آن، محدود نمی‌شود، بلکه در نگاه جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی عبارت‌است از: فقدان هرگونه تهدید ضد ارزش‌های مکتسب جمهوری اسلامی ایران و عدم احساس تهدید نسبت به آنها (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۴۸). از مهم‌ترین تهدیدهایی که گفتمان اسلام انقلابی با آن مواجه است، اقدام‌های تروریستی داعش و معرفی آن به‌عنوان «جهاد فی سبیل‌الله» است؛ درنتیجه، مطبوعات و رسانه‌های کشورهای غربی اقدام‌های تروریستی داعش را با ارزش‌های واقعی اسلام، همسان جلوه‌می‌دهند و به‌این ترتیب، یکسان‌انگاری گرایش‌های مختلف اسلام، باعث می‌شود تا ارزش‌های حقیقی جمهوری اسلامی ایران نزد افکار عمومی، خدشه‌دار شود (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۹). کسانی که به نام اسلام در غرب یا هر نقطه دیگری از جهان به نام جهاد به ترور دست‌می‌زنند، درواقع، این مفهوم مقدس را بدنام‌می‌کنند درحالی‌که در گفتمان جمهوری اسلامی، چنین اعمالی از منظر فقهی و کلامی، مردود است؛ و جهاد ابتدایی در دوران غیبت، جایز نیست. (خمینی، ۱۳۶۵: ۷۷).

۳- تهدید تقریب میان مذاهب اسلامی

ایجاد وحدت میان فرق اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین راهکار برای ارتقای جایگاه مسلمین در جهان، همواره مورد توجه بیشتر علمای اسلام بوده‌است. تلاش‌های گسترده آیت الله العظمی بروجردی و شیخ شلتوت برای تقریب بین سنی و شیعه نمونه‌ای از حرکت علمای اسلام در جهت رسیدن به وحدت در میان مسلمانان است. با نگاه کوتاهی به تاریخ اسلام به نتیجه‌می‌رسیم که در هر مقطعی از تاریخ اسلام که تفرقه و اختلاف‌های مذهبی در میان مسلمانان بروز کرده، تجربه شکستی تلخ نیز در کارنامه آنها ثبت شده‌است؛ نصوص دینی مسلمانان نیز، بر وحدت و پرهیز از اختلاف به‌عنوان فریضه‌ای دینی تأکید دارند.

داعش همگام با صهیونیسم و غرب تلاش می‌کند، به اختلاف‌های میان اهل سنت و شیعیان دامن‌بزند و متأسفانه در رسیدن به این هدف تاحدی زیاد، موفق بوده‌است. به تعبیر برخی از پژوهشگران، تکفیری‌ها به‌رغم جمعیت اندک و اعتقادهای بی‌اساس خود، در برانگیختن افکار عمومی اهل سنت، ضد شیعیان و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران، بسیار توانایی دارند؛ نمونه بارز این مورد، *ابومصعب زرقاوی* بود؛ او نظر برخی از اهل سنت عراق را ضد ایران برانگیخت و این تفکر را به آنها القا کرد که صفوی‌های جدید، در حال تصرف قلمرو تاریخی اهل سنت هستند (مسجدجامعی: ۱۳۸۶). *زرقاوی*، شیعیان را دشمن شماره یک خود معرفی کرد و گفت:

دشمنان ما چهار گروه‌اند: آمریکایی‌ها، کردها، وابستگان دولت عراق و شیعیان؛ از نظر ما گروه اخیر، کلید تحولات سیاسی عراق است، به این معنا که اگر ما عمق دینی، سیاسی و نظامی آنها را هدف قرار دهیم، آنها نیز تحریک می‌شوند و خوی وحشی‌گری خود را به اهل سنت نشان می‌دهند؛ اگر در انجام این طرح، موفق شویم، می‌توان گفت که توانسته‌ایم اهل سنت غافل را نسبت به این گروه آگاه کنیم (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

تلاش برای شکست «تقریب میان مسلمین»، تنها به تکفیریهایی که به‌ظاهر، خود را سنی معرفی می‌کنند، محدود نمی‌شود، بلکه گروه‌ها یا افرادی دیگر نظیر «*یاسر الحیب*» روحانی لندن‌نشین کویتی الاصل و «*حسن الهیاری*» روحانی افغانی الاصل ساکن لس‌آنجلس نیز که خود را شیعه معرفی می‌کنند، همسو با تکفیری‌ها در جهت ایجاد فتنه و آشوب در میان مسلمانان، مورد استفاده دشمنان قرار می‌گیرند؛ اهانت این افراد به مقدسات اهل سنت، بهانه لازم را برای مبارزه تکفیری‌ها با شیعیان و تضعیف تقریب فراهم می‌کند؛ مقام معظم رهبری در واکنش به این فعالیت‌ها ضمن

حرام دانستن اهانت به نمادهای دینی اهل سنت فرمودند: «بدانید آن کسانی که شیعه را علیه سنی و سنی را علیه شیعه تحریک می‌کنند، نه شیعه را دوست دارند و نه سنی را؛ با اصل اسلام دشمن‌اند» خامنه‌ای: ۱۳۸۱/۱۲/۶).

در دیدگاه تکفیری‌ها نه تنها ضرورتی برای وحدت و تقریب میان مذاهب اسلامی وجود ندارد، بلکه فعالیت‌های تقریبی را، از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع خود می‌دانند؛ این در حالی است که راهبرد تقریب میان مذاهب، مقتضای عقاید اسلامی است و اعتقاد به عدم جواز تفرقه در بین مسلمانان از بدیهیات مکتب اسلام است. از آنجاکه ایجاد اختلاف‌های فرقه‌ای و مذهبی از لوازم اندیشه‌های تکفیری است، داعش به‌عنوان افراطی‌ترین گروه تکفیری در عصر حاضر، بیشترین ضرر را متوجه وحدت اسلامی می‌کند.

۴- تغییر در معادلات منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته، همواره رفتاری صلح‌طلبانه و مسالمت‌آمیز در سیاست خارجی خود اتخاذ کرده و راهبرد اصلی آن از ابتدای انقلاب تاکنون، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها بوده است؛ بنابراین، کمک به حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی، یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده، جنگ، تنها یک استثناست؛ امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «آنچه غایت تعلیمات اسلامی است، همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ج ۱۸، ۹۵)؛ همچنین، اصل ۱۵۲ قانون اساسی بیان می‌کند: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری... و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب، استوار است».

هدف از همزیستی مسالمت‌آمیز، تقویت، توسعه و تثبیت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در جهت توسعه سیاسی - اقتصادی و صلح و امنیت منطقه‌ای است؛ در واقع، ایران در جهت کاهش تهدیدهای امنیتی ناشی از محیط پیرامونی و به‌منظور کمک به بهبود امنیت منطقه‌ای، رویکرد امنیت‌سازی مبتنی بر همکاری و مشارکت با سایر بازیگران منطقه‌ای را درپیش گرفته است؛ در این چارچوب، کمک به شکل‌گیری دولت‌های قدرتمند برای مدیریت منازعات و بی‌ثباتی‌های درونی، اهمیتی اساسی دارد، زیرا رژیم صهیونیستی به‌دنبال تضعیف دولت‌های بزرگ و مقتدر در خاورمیانه است و ترجیح می‌دهد که کشورهای منطقه، تمام توان خود را برای مبارزه با یکدیگر صرف‌کنند تا

خطری، متوجه تل‌آویو نشود.

رشد تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در منطقه خاورمیانه در طول سال‌های اخیر، نظم و ثبات سیاسی - اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. وهابیت و سلفی‌گری به‌عنوان نوعی ایدئولوژی مذهبی افراطی، منبع عمده گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی بوده و این ایدئولوژی به‌واسطه آشفتگی کلی منطقه‌ای و برخی ملاحظات سیاسی بازیگران ذی‌نفع، فضایی گسترده‌تر برای انتشار و تأثیرگذاری پیدا کرده‌است. عملیات‌های انتحاری و تروریستی گروه‌های تکفیری، به‌صورت گسترده و سازمان‌یافته در عراق و حتی در کشورهای اروپایی و در میان مردم بی‌گناه، پدیده‌ای جدید در تاریخ اسلام است؛ این روش‌ها (تاکتیک‌ها)، ضمن حاکم کردن فضای غیرعقلانی و رشد تعصب‌های مذهبی و همچنین، نضج‌گرفتن برخی گرایش‌های افراط‌گرایانه در میان مسلمانان، از اساس در تعارض با رویکرد مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبانه جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

عملکرد کشورهای حامی داعش، فضای مفاهمه و تعامل سازنده را تضعیف و منطقه را به تنش و ناآرامی دچار می‌کند؛ در نتیجه، همگرایی جای خود را به واگرایی منطقه‌ای می‌دهد. فعالیت تکفیری، حضور مجدد آمریکا را در عراق و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس سبب می‌شود و جمهوری اسلامی ایران، هرگونه مداخله و افزایش حضور آمریکا در منطقه را مانعی در راه تحکیم پیوندهای خود با کشورهای عربی برای امنیت‌سازی در خلیج فارس تلقی می‌کند؛ روابط دوجانبه نظامی - امنیتی آمریکا با این کشورها، از جمله قراردادهای خرید سلاح چندصدمیلیاردی میان عربستان سعودی و آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری دنالد ترامپ (Javier: 2017)، عاملی مهم در جهت پیشگیری از همکاری‌ها و تعامل‌های منطقه‌ای و به‌هم‌خوردن معادلات منطقه است؛ بنابراین، حضور نیروهای ناتو در منطقه، هزینه‌های امنیتی ایران را در بلندمدت بالا خواهد برد؛ از سوی دیگر، حضور این نیروها در همسایگی روسیه برای روس‌ها خوشایند نیست و این مسئله، باعث رقابت میان دو ابرقدرت روسیه و آمریکا خواهد شد و در نهایت، زمینه به‌راه‌افتادن جنگ نیابتی و ایجاد ناامنی را در منطقه فراهم خواهد کرد (رضایی فرامانی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

پیروزی نیروهای مقاومت و حزب‌الله در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۲۰۰۶ آمریکا، صهیونیسم بین‌الملل و هم‌پیمانان عربی آنها را سخت به‌وحشت‌انداخت؛ در همان زمان، وزیر امور خارجه اسرائیل اعلام کرد که تنها راه ممکن برای غلبه بر جبهه مقاومت، ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی و در نهایت، ایجاد تنش در منطقه است؛ *مئیر داگان*، رئیس موساد نیز این موضوع را بارها

تکرارکرد و آن را تنها راه مقابله با مقاومت دانست (رضایی فرامانی، ۱۳۹۴: ۱۲۵۶). داعش تحت تأثیر جریان‌های صهیونیستی و امپریالیستی، این نقش را عهده‌دار شد. فعالیت‌های تروریستی داعش، ضمن حاکم کردن فضای جنون‌آمیز و غیرعقلانی در میان مسلمانان، باعث رشد تعصب‌های مذهبی و گرایش‌های افراطی و به‌شدت انتقام‌جویانه در میان مسلمانان می‌شود؛ این موضع، به‌شدت در تعارض با رویکرد و مشی مسالمت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران قرارداد و عقلانیت‌محوری و نفی خشونت‌ی را که یکی از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، تهدید می‌کند.

۵- تقویت صهیونیسم و تضعیف جبهه مقاومت

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، تضعیف جبهه مقاومت است. جبهه مقاومت، متشکل از ایران، سوریه، حزب‌الله و برخی از گروه‌های مقاومت فلسطینی، همواره در تقابل با اهداف آمریکا و صهیونیست‌ها قرار داشته‌است؛ این جبهه اکنون مورد هجوم داعش و دیگر گروه‌های تکفیری قرار گرفته‌است. داعش به‌نماینده‌گی از استکبار جهانی، به‌دنبال نابودی سوریه است تا از این طریق، یکی از بازیگران مهم جبهه مقاومت را که پل ارتباطی میان ایران و حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی محسوب می‌شود، قطع کند.

شائیل بن‌افریم، تحلیل‌گر صهیونیست، معتقد است که داعش به‌طور کامل، مطابق با منافع راهبردی و ملی آمریکا عمل می‌کند و فرصت کنونی که به یمن فعالیت جریان تکفیری ایجاد شده، نقطه عطفی است که آمریکا می‌تواند از آن در راستای ایجاد نوعی موازنه قوا در منطقه استفاده کند و قدرت ایران را که با حمله آمریکا به عراق و سقوط *صدام حسین* و به‌قدرت‌رسیدن دولت شیعی در این کشور و تقویت محور مقاومت، شامل حزب‌الله و حماس، روندی روبه‌تزیاید داشت، تعدیل کند. *Ben-Ephraim: (2014)*.

اکنون این سخن *بن‌افریم* بر همگان آشکار شده‌است و به بحث درباره چندوچون آن نیاز نیست؛ رهبر انقلاب نیز در دیدار با شرکت‌کنندگان در «کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» به این موضوع اشاره کردند و فرمودند:

یک نکته غیرقابل‌انکاری وجود دارد و آن، این است که جریان تکفیر و حکومت‌هایی که پشتیبان و حامی آن هستند، به‌طور کامل در جهت نیت استکبار و صهیونیسم دارند حرکت می‌کنند؛ کار آنها در جهت هدف‌های آمریکا و دولت‌های استعماری اروپا و رژیم اشغالگر صهیونیستی است؛ شواهدی این

معنا را قطعی می‌کند. جریان تکفیر، ظاهر اسلامی دارد اما در عمل، در خدمت جریان‌های استعماری، استکباری و سیاسی بزرگی است که ضد دنیای اسلام دارندکاری می‌کنند (خامنه‌ای: ۱۳۹۳/۹/۴).

اکنون مقام‌های رژیم صهیونیستی نیز به درستی دریافته‌اند که داعش، کوچک‌ترین تهدیدی برای آنها محسوب نمی‌شود و فرصتی بسیار مهم برای مقابله با گروه‌های مقاومت به‌شمار می‌آید. لازم است، یادآوری شود که در جریان جنگ پنجاه‌روزه غزه، گروه تروریستی داعش، کوچک‌ترین عملی به‌منظور کمک به مقاومت فلسطین انجام‌داد.

۶- تربیت نسل جدید تروریست‌های تکفیری و تداوم افراط‌گرایی

داعش برای پرورش تعداد هرچه بیشتر نیروهای تکفیری، از کودکان به‌صورتی گسترده در عملیات‌های انتحاری و دیگر امور قلمرو خود استفاده می‌کند؛ این گروه تروریستی، به‌طور ویژه به تربیت کودکان در مناطق تحت اشغال خود توجه دارد و هزینه‌هایی سنگین را برای تلقین ایدئولوژی خشن خود به کودکان اختصاص داده است (Benotman&Malik, 2016: 31).

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، در ژوئن ۲۰۱۵ اعلام کرد که داعش، ۸۰۰ تا ۹۰۰ تن از کودکان ۹ تا ۱۵ ساله را در مناطق مختلف موصل ربوده است. کودکان میان ۵ تا ۱۰ سال، در زمینه مذهبی آموزش می‌بینند و کودکان ۱۰ تا ۱۵ ساله نیز تحت آموزش نظامی قرار می‌گیرند؛ رسانه‌های محلی نیز، اعلامیه‌ای منتشر کردند که براساس آن، کودکانی که از دستور فرماندهان داعش سرپیچی می‌کردند، شلاق خورده، شکنجه می‌شدند. نیکیتا ملیک، کارشناس ارشد بنیاد کوپلیم در کتاب *کودکان دولت اسلامی* می‌نویسد: «رویکرد داعش به آموزش و تعلیم کودکان، یادآور روش نازی‌ها در تربیت کودکان آلمان است» (Benotman&Malik, 2016: 32).

جنایات داعش در عراق و سوریه، به‌مراتب خشن‌تر و وحشیانه‌تر از جنایات نازی‌ها و فاشیست‌ها به‌خصوص درباره نقض حقوق کودکان است. آموزش کودکان داعش از تولد آغاز شده و در مدرسه و سپس اردوگاه‌ها بیشتر می‌شود. داعش، دخترها را به‌عنوان «مروارید خلافت» مجبور می‌کند، در خانه اقامت کنند و از همان اوایل زندگی، چگونگی همسراری را می‌آموزند. داعش با مجبور کردن کودکان به مشارکت در اعدام مخالفان، از یک سو درصدد است، این اعمال را به کودکان آموزش دهد و از سوی دیگر سعی می‌کند تا جنایات خود را عادی نشان دهد. درحالی‌که برخی از کودکان با دادن چاقو به تکفیری‌های بزرگ‌تر، در اعدام‌ها همکاری می‌کنند، هستند کودکانی که خود، مجازات اعدام را

انجام می‌دهند؛ آنها انجام مجازات اعدام را نوعی امتیاز و افتخار می‌دانند (2016: 42) (Benotman&Malik).

همچنین، کودکان آموزش می‌بینند که چگونه عملیات انتحاری انجام دهند. آنها یاد می‌گیرند که با پوشیدن جلیقه انتحاری یا راندن خودروهایی پر از مواد منفجره به مناطق مدنظر داعش، آنها را منفجر کنند. براساس آمار دیده‌بان حقوق بشر، در سوریه فقط در ژوئیه سال ۲۰۱۵، بیش از نوزده مورد از انفجارهای انتحاری کودکان ثبت شده است (44: Benotman&Malik, 2016)؛ علاوه بر موارد یادشده، این نهاد، گزارش‌هایی ارائه می‌دهد که طبق آنها، قبایل محلی، برخی از خانواده‌ها را در استان الانبار مجبور کردند، کودکان خود را برای پیوستن به داعش بفرستند. کودکانی که خانواده آنها از این عمل خودداری می‌کردند، به‌زور گرفته می‌شدند، زیرا تکفیری‌ها کودکان را نیز موظف می‌دانند، در «جهاد» مشارکت کنند. کودکان ربوده شده توسط تکفیری‌ها برای اعدام و سر بریدن مخالفان به‌کار گرفته می‌شوند. آمارها نشان‌دهنده این حقیقت تلخ هستند که داعش، حدود ۳۱ هزار زن حامله در عراق و شام دارد. کودکان از همان ابتدای تولد، آموزش‌هایی خشن می‌بینند تا نسل آینده تکفیری‌ها را تشکیل دهند (Moore:2016)؛ اگرچه ممکن است در ارائه این آمار اغراق شده باشد، نباید از اصل ماجرا غافل بود. روروزنامه *این‌دیپندنت انگلستان* در این باره نوشت: «نسلی جدید که از فرزندان اروپایی‌های ملحق شده به داعش هستند، همچنان در حال افزایش است زیرا شمار «عروس‌های جهادی»، همچنان روبه‌افزایش است» (Dearden:2016).

۷- هزینه‌های غیرمستقیم ناشی از فعالیت داعش در منطقه

تعریف سنتی از امنیت که به امور دفاعی، نظامی و تسلیحاتی مربوط می‌شد، هم‌اکنون به زمینه‌هایی معطوف است که بتواند مبنایی پایدار برای فعالیت اقتصادی، تولید و افزایش درآمد و امکانات جامعه باشد (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۲۰۶). تکفیری‌ها با به‌راه‌انداختن جنگ‌های فرسایشی داخلی، بسیاری از تجهیزات و زیرساخت‌های کشورهای اسلامی را نابود کرده‌اند. تردیدی نیست که تخریب و نابودی زیرساخت‌های دول اسلامی و به‌خصوص کشورهای محور مقاومت که مانعی بسیار جدی در راه پیشرفت این کشورهاست، از راهبردهای (استراتژی‌های) کلان صهیونیست‌ها و حامیان غربی آنهاست؛ هدف این راهبرد، نابودکردن سرمایه‌های اقتصادی و انسانی کشورهای اسلامی است. سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۴ تخمین زد که بازسازی سوریه، عراق و غزه به مبلغی معادل ۷۵۰ میلیارد

دلار نیاز دارد. سخنگوی کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد اعلام کرد که جنگ سوریه، امکانات مسکونی، آموزشی و صنعتی را در این کشور با مشکلاتی جدی مواجه کرده است؛ در عراق نیز طی درگیری‌های صورت گرفته با داعش، صدها ساختمان در شمال و شرق این کشور به‌طور جدی آسیب دیده‌اند (ESCWA: ۲۰۱۴).

ج - فرصت‌ها

بی‌تردید، ظهور داعش، جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌هایی متعدد روبه‌روساخته است اما در عین حال، فرصت‌هایی نیز در اختیار ایران گذاشته که در زیر به بعضی از آنها اشاره خواهد شد:

۱- معرفی اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی

دولت‌های استعمارگر غربی و رژیم صهیونیستی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و هژمونیک شدن گفتمان اسلام سیاسی تلاش کردند با خلق گفتمان رقیب به این هژمونی گفتمانی ایران اسلامی پایان دهند؛ در این راستا، ارائه اسلام آمریکایی و مدل‌های تحریف شده از اسلام از دید استکبار، بهترین بدیل با بیشترین بهره و کمترین هزینه برای دشمنان اسلام بود. امام خمینی (ره) با تیزبینی خاص خود، اصطلاح اسلام ناب محمدی (ص) را در فرهنگ سیاسی اسلام وارد کردند.

اسلام آمریکایی، به‌طور صرف، اسلام غرب زده نیست، بلکه اسلام مقدس نماهای متحجر و مبتنی بر مبانی غلط و متعصبانه را نیز در برمی‌گیرد؛ امام خمینی (ره) با اشاره به این نکته، اسلام مقدس نماهای متحجر را به سان اسلام سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهان بی‌درد می‌داند که هر دو در مقابل اسلام ناب قرار می‌گیرند (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ج ۲۱، ۱۲۱)؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز با اشاره به این موضوع، فرمودند:

اسلام آمریکایی در زمان ما و در زمان امام و در همه زمان‌ها (تا آنجا که ما می‌شناسیم، ممکن است در آینده هم همین جور باشد)، دو شاخه بیشتر ندارد؛ یکی اسلام سکولار، یکی اسلام متحجر؛ لذا امام، آن کسانی را که تفکر سکولاری داشتند، یعنی دین را، جامعه را، رفتار اجتماعی انسان‌ها را، جدای از اسلام می‌خواستند، همواره در ردیف کسانی گذاشت که نگاه متحجرانه به دین داشتند؛ یعنی نگاه عقب‌افتاده غیرقابل فهم برای انسان‌های نواندیش و متعصبانه روی مبانی غلط و متحجرانه؛ هر دوی اینها را امام همواره در کنار هم ذکر کرده است. امروز که شما نگاه می‌کنید، می‌بینید هر دو نمونه اسلام، در دنیای اسلام وجود دارد، هر دو هم مورد حمایت قدرت‌های قلدر دنیا و مورد حمایت

آمریکاست. امروز، هم جریان منحرف داعش و القاعده و امثال اینها مورد حمایت آمریکا و اسرائیل اند، هم بعضی از جریان‌های به نام اسلام و بیگانه از عمل اسلامی و فقه اسلامی و شریعت اسلامی، مورد حمایت آمریکا است (خامنه‌ای: ۹۴/۳/۱۴).

بنابراین، هم «اسلام متحجر آمیخته با خرافات» و هم «اسلام تطبیق‌داده‌شده با اصول آمریکایی و مدنظر غربی‌ها» در زمره اسلام آمریکایی و تحریف‌شده قرار می‌گیرند. آنچه در پژوهش حاضر، مدنظر است، نوع خشن و متحجر اسلام آمریکایی است که داعش در عصر حاضر، مهم‌ترین نماینده آن است؛ این گروه تروریستی، پس از بیداری اسلامی و سرنگونی رژیم‌های مستبد عربی و با استفاده از فضای سیاسی به‌وجودآمده، خود را به‌عنوان یک گفتمان تحول‌خواه انقلابی معرفی کرد؛ این گفتمان که بدیل تقلبی جمهوری اسلامی ایران بود، به دلیل اشتیاقی که به‌خصوص در میان جوانان برای اصلاح وضع موجود جوامع وجودداشت، مقبول واقع شد و به جذب جوانان از کشورهای مختلف جهان پرداخت؛ با این حال، جنایات وحشیانه تکفیری‌های داعش در مناطق تحت نفوذ خود و خشونت‌های بی‌حد و حصر آن در برخورد با مخالفان، پوشالی بودن ادعای این گروه تروریستی را به‌اثبات رساند و به اسلام‌گرایان، در فهم تفاوت‌های اسلام ناب و اسلام آمریکایی، بسیار کمک کرد زیرا همان‌گونه که امام خمینی (ره) فرمودند:

راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی بهره‌مند است که تمام زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه، روشن شود؛ متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز میان اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام پابرهنگان و محرومان و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهان بی‌درد، به‌طورکامل مشخص نشده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱: ۱۲۱).

خشونت‌های وحشتناک داعش خودبه‌خود، موجب کاهش جذب نیرو شد و در نتیجه، زمینه‌های افول آن را فراهم ساخت. جمهوری اسلامی ایران با توسل به اندیشه‌های امام خمینی (ره) الگویی متفاوت را از آنچه تکفیری‌ها به نام اسلام، به جهانیان معرفی می‌کردند، ارائه کرده است.

۲- آشکارشدن ماهیت غیرخشونت‌ورز و ضدتروریستی جمهوری اسلامی ایران و

جبهه مقاومت

یکی از ترفندهایی که همواره غرب و رژیم صهیونیستی، برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و

قدرت‌گیری گفتمان اسلام سیاسی به‌کارمی‌برند، تلاش برای تروریستی جلوه‌دادن جمهوری اسلامی ایران و دیگر گروه‌های جبهه مقاومت، به‌ویژه حزب‌الله است. تلاش آمریکا برای معرفی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور یاغی، تروریست و تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی، نمونه بارز این رفتار محدودکننده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

در این راستا، وزارت امور خارجه آمریکا در گزارش سالانه خود درباره تروریسم، ایران را در صدر کشورهای حامی تروریسم قرار داد و مدعی شد که این کشور به طرق گوناگون از جمله «حمایت مالی، آموزش و رساندن تجهیزات»، به گروه‌های تروریستی در کشورهای مختلف جهان کمک کرده‌است. وزارت خارجه آمریکا به‌ویژه به حمایت ایران از حزب‌الله لبنان پرداخته و این گروه را «تهدیدی جدی برای ثبات لبنان و منطقه» دانسته‌است؛ در این گزارش، همچنین به حمایت ایران از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در عراق (گروه کتائب حزب‌الله که آمریکا آن را گروهی تروریستی می‌داند)، حکومت بشار اسد و گروه‌های حماس و جهاد اسلامی در فلسطین اشاره شده و نیروی قدس سپاه پاسداران به‌همراه وزارت اطلاعات ایران به حمایت از تروریسم در سطح جهانی متهم شده‌اند (U.S. Department of State Report: 2015).

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی، همواره به‌عنوان اولین قربانی تروریسم، خساراتی جبران‌ناپذیر را متحمل شده‌است؛ اکنون نیز، مبارزه بی‌امان جمهوری اسلامی ایران با داعش که امروزه به‌عنوان خطرناک‌ترین گروه تروریستی در جهان شناخته می‌شود، نشان‌دهنده واهی بودن ادعای غرب، مبنی بر حمایت ایران از تروریسم است.

تلاش‌های غیرقابل‌انکار جمهوری اسلامی ایران به‌منظور مبارزه با تروریست‌های تکفیری و صرف هزینه‌های مادی و معنوی در جهت رسیدن به این هدف، سبب شد تا جان‌کری، وزیر امور خارجه آمریکا، با وجود روابطی تیره که میان ایران و ایالات متحده برقرار است، به آن اعتراف کند؛ او جمهوری اسلامی ایران را دارای نقش اساسی و تأثیرگذار در مبارزه با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در عراق دانست و در پاسخ کسی که نظر او را درباره نقش ایران در عراق پرسید، این‌گونه گفت: «ببینید، ما با ایران در یک چالش هستیم و سعی در حل آن داریم ولی باید این را به شما بگویم که حضور ایران در عراق و مبارزه با داعش و دیگر تروریست‌ها، بسیار مثبت و تأثیرگذار بوده‌است» (Schleifer: 2016).

۳- تثبیت قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

مبارزه با تروریست‌های تکفیری، موقعیت و اهمیت نقش ایران را در ایجاد نظم و ثبات منطقه‌ای بیش از هر زمان دیگر به‌اثبات رساند. حضور داعش در کشورهای عراق و سوریه، به‌ویژه پس از حمله این گروه تروریستی به ایزدی‌تبارهای عراق، باعث شد تا بیش از چهل کشور دنیا به رهبری آمریکا ائتلافی نمایشی را ضد داعش شکل دهند؛ این اقدام در حالی صورت‌گرفت که برخی از این کشورها به‌ویژه عربستان، ترکیه، آمریکا، امارات، قطر و انگلیس در تشکیل و تجهیز داعش نقشی بسیار تأثیرگذار ایفا کردند. /ویاما با ارسال نامه‌ای محرمانه به رهبر معظم انقلاب اسلامی، خواستار همکاری ایران با ایالات متحده آمریکا در مبارزه با داعش شد (Solomon & Lee: 2014) اما رهبر انقلاب این عمل آمریکا را مقدمه‌ای برای دخالت در منطقه قلمداد کرده، فرمودند: «آمریکا با این کار، می‌خواهد بهانه‌ای پیدا کند تا همچنان‌که در پاکستان با وجود دولت مستقر، با وجود ارتش قوی - ارتش پاکستان ارتشی قوی است - بدون اجازه به پاکستان وارد می‌شود و هر جا را دلش می‌خواهد، بمباران می‌کند، (می‌خواهد) در عراق و سوریه هم، چنین کاری را انجام بدهد» (خامنه‌ای: ۹۳/۶/۲۳)؛ وزیر امور خارجه فرانسه نیز از ایران و دیگر کشورها خواست تا به ائتلاف ضد داعش بپیوندند (Almanar: 2014)؛ جمهوری اسلامی ایران هرگز در این ائتلاف‌های نمایشی حضور نیافت و در عوض از فرصت استفاده کرد و پیش از اقدام آمریکا و هم‌پیمانانش، به کمک دولت و مردم عراق، ضد گروه تروریستی داعش شتافت. اقدام‌های اثربخش ایران موجب شد تا تمام مسئولان عراقی و حتی مخالفان جمهوری اسلامی ایران در این کشور، به تأثیر کمک‌های ایران در پیشگیری از سقوط کامل دولت بغداد و اشغال کامل عراق توسط داعش اعتراف کرده، بارها از ایران تقدیر کنند. اقدام‌های همه‌جانبه ایران به حدی بود که تلاش آمریکا و حامیانش در مبارزه با داعش، به‌طور کامل در سایه قرار گرفت و رسانه‌های دول مختلف جهان، حتی رسانه‌های غربی بارها از نقش مثبت ایران در این بحران به نیکی یاد کردند؛ این حضور مقتدرانه و اثرگذار، اقتدار نظامی و سیاسی ایران را در منطقه به همه جهانیان، کشورهای فرامنطقه‌ای و کشورهای نظیر عربستان و ترکیه که به‌شدت با ایران در منطقه جنوب‌غرب آسیا رقابت دارند، ثابت کرد (Janine: ۲۰۱۴)؛ در واقع، اذعان به توانمندی فرماندهان و نظامیان ایران در رسانه‌های غربی، یکی از دستاوردهای مهم حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران بود.

هفته‌نامه نیوزویک درباره نقش ایران در حل بحران عراق نوشت:

«ایران علاوه بر ارسال تسلیحات نظامی به عراق، مغز متفکر جنگی خود، سردار قاسم سلیمانی را

نیز به این کشور اعزام کرده‌است. هرچند به‌طور معمول، سلیمانی به‌صورت مخفیانه در صحنه‌های جنگ حضور داشت، اجازه انتشار تصاویر خود را از میدان‌های جنگ در امرلی صادر کرد که به‌صورت مشخص، این پیام را برای غرب داشت: ایران در صحنه جنگ عراق به‌طور کامل حضور داشت» (Janine: 2014).

این نشریه، همچنین طرح روی جلد مجله را به تصویری از سردار سلیمانی با این متن اختصاص داد: «سلیمانی فردی که ابتدا با آمریکا می‌جنگید و اکنون در حال نابودکردن داعش است» (Janine: ۲۰۱۴).

هم‌زمان با آغاز پیشروی‌های گروه تروریستی داعش در عراق، نقش مشاوران و مستشاران نظامی ایران در نبرد با داعش و پیروزی‌های کسب‌شده، توجه بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران را به خود جلب کرد؛ البته قدرت جمهوری اسلامی ایران، تنها در توان نظامی بالا و نیروهای نظامی باتجربه یا جنگ‌افزارهای پیشرفته آن خلاصه‌نمی‌شود، بلکه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و توان بسیج‌کنندگی بالای آن نیز، برگ برنده‌ای دیگر است که باعث پیروزی این کشور در مبارزه با دشمنان می‌شود. دشمنان جمهوری اسلامی ایران، این توانایی را برای اولین بار در طول هشت سال دفاع مقدس تجربه کردند؛ جنگی که برای اولین بار و شاید آخرین بار، دو بلوک غرب و شرق را به اتحاد با یکدیگر مجبور کرد اما در کمال شگفتی جهانیان، هیچ نتیجه‌ای برای آنها حاصل نشد و رژیم بعثی عراق که به‌نمایندگی از آنها می‌جنگید، موفق نشد، حتی یک وجب از خاک ایران را نیز تصرف نکند؛ در سال‌های اخیر هم، راهپیمایی اربعین حسینی به‌رغم تهدیدهای داعش، بار دیگر، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را به رخ جهانیان کشید. حضور چندمیلیونی زائران اربعینی / امام حسین (ع) در کربلا، گویای این حقیقت است که منطقه آشوب‌زده خاورمیانه در حال حرکت به‌سوی نظمی جدید است که به‌یقین، برای ائتلاف غربی، صهیونیستی و عربی مطلوب نخواهد بود.

۴- فراهم شدن زمینه‌های تعامل غرب با جمهوری اسلامی ایران در زمینه مبارزه با تروریسم

در آستانه برگزاری اولین دور از مذاکرات صلح ژنو، حضور یا عدم حضور ایران در این مذاکرات از مهم‌ترین موارد مورد بحث در میان مخالفان و موافقان بود. روسیه طرح برگزاری نشست ژنو را با حضور کشورهای تأثیرگذار در حل بحران سوریه از جمله ایران، عربستان، قطر و ترکیه پیشنهاد داده‌بود. با وجود تأکید روسیه و کوفی عنان بر ضرورت شرکت ایران در نشست ژنو، فشار

آمریکا باعث شد تا ایران به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی و تأثیرگذار در بحران سوریه در این نشست مشارکت نداشته‌باشد؛ درنهایت هم از آنچه در ژنو ۱ تدوین شد، حاصلی برای پایان‌دادن به بحران سوریه به‌دست نیامد، جز آنکه کناره‌گیری بشار/اسد و سپردن سوریه به یک دولت انتقالی به شرطی برای حضور در دومین نشست ژنو تبدیل شد (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴: ۱۴ اردیبهشت)؛ این وضع در دومین دور از مذاکرات نیز ادامه‌داشت و جمهوری اسلامی ایران به دلیل مخالفت رقبا در این دور از مذاکرات نیز حضور نداشت؛ در واقع، مشروط‌کردن حضور در ژنو ۲ به پذیرش بیانه پایانی ژنو ۱ و برکناری «اسد» سبب شد تا حضور ایران در آن نشست منتفی شود زیرا برای همه آشکار بود که دولت ایران به‌عنوان مدافع دولت قانونی دمشق و مخالف دخالت خارجی در امور داخلی سوریه، هرگز حاضر نخواهد شد، این شروط را بپذیرد. با برگزاری نشست ژنو ۳، یکی از تفاوت‌های بسیار مهم آن با دو نشست پیشین، یعنی حضور ایران در این نشست، آشکار شد. حضور ایران در ژنو ۳ در حالی بود که تغییری در مواضع ایران نسبت به تحولات سوریه مشاهده نمی‌شد و این مسئله نشان‌دهنده توان دیپلماتیک و قدرت تأثیرگذاری ایران و به‌رسمیت‌شناختن این قدرت از سوی طرف غربی در مسائل منطقه‌ای بود (Nichols: ۲۰۱۵).

با مراجعه به این پیشینه است که دعوت رسمی مقام‌های آمریکایی از ایران برای حضور در مذاکرات صلح سوریه، تغییر و چرخشی قابل تأمل به‌نظر می‌رسد. علاوه بر موافقت آمریکا با حضور جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات، جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا در اظهارهایی متفاوت درحالی‌که از ایران و روسیه می‌خواست رئیس‌جمهور سوریه را پای میز مذاکره بیاورند، گفت: «بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه باید از قدرت کنار برود، اما ضروری نیست کناره‌گیری او از قدرت، فوری انجام شود و قابل مذاکره است» (Middleeasteye: 2015)؛ همین تغییر موضع بود که سبب شد، رفته‌رفته مقام‌های غربی و به‌طور مشخص، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر ضرورت حضور ایران در مذاکرات سوریه تأکید کنند؛ براساس این، برخی از مقام‌های اروپایی از دعوت ایران به نشست وین استقبال کردند؛ روزنامه‌های انگلیسی نیز، دعوت از ایران را حرکتی مهم برای پایان‌دادن به جنگ سوریه دانستند؛ *روزنامه گاردین* در این باره نوشت: «آمریکا با تجدیدنظر در مخالفت درازمدتش با شرکت ایران در مذاکرات صلح به‌منظور اتمام این جنگ، مسیری را برای رسیدن به نوعی موفقیت دیپلماتیک برای حل اختلاف در این کشور هموار ساخت» (Roberts: ۲۰۱۵).

نتیجه‌گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و قدرت گرفتن گفتمان اسلام سیاسی غیرخسونت‌ورز، رقابت میان این گفتمان و گفتمان سرمایه‌داری غرب، به مرحله‌ای جدید وارد شد. غرب در واکنش به قدرت‌گیری گفتمان اسلامی به رهبری ایران و در تلاش برای جلوگیری از به‌خطرافتادن موقعیت هژمونیک خود، به طرقتی گوناگون، درصدد مهار قدرت روزافزون اسلام سیاسی برآمد و جدیدترین حربه آن، استفاده از گروه تکفیری داعش بوده‌است؛ غرب در این برنامه سعی کرده‌است، چالش میان غرب و اسلام سیاسی را به نوعی رویارویی نظامی - ایدئولوژیک در درون دنیای اسلام منتقل کند تا هم از ظهور اسلام رحمانی، جلوگیری و هم سرمایه‌های اجتماعی دنیای اسلام را تضعیف کند؛ بدین ترتیب، غرب با استفاده از فضای سیاسی حاکم بر جهان عرب و به‌خصوص سرخوردگی جوانان عرب از وضع موجود پس از شکست بیداری اسلامی یا بهار عربی در این کشورها تلاش کرده در مقابل گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی، گفتمانی بدیل خلق کند تا با استفاده از دال خالی موجود در جهان عرب، این گفتمان جعلی را به گفتمان هژمونیک در ساحت سیاسی جهان عرب تبدیل کند. وجود کلام تکفیری که از زمان ابن‌تیمیه در اختیار بخشی از مسلمانان قرارداشت، در کنار نارضایتی‌های اجتماعی، تبعیض‌های اقتصادی، و انسداد سیاسی، زمینه را برای عضوگیری گروه‌های خسونت‌ورز تکفیری از جمله داعش، از میان این جوانان، از نقاط گوناگون فراهم آورد.

ظهور داعش که مستظهر به حمایت بعضی از کشورهای منطقه، بخشی از غرب و صهیونیسم بین‌الملل است تهدیدهایی متعدد را برای ایران در حوزه‌های امنیتی، گفتمانی و ایدئولوژیک به‌وجود آورده‌است. ظهور و حضور داعش در وهله اول، امنیت ملی جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند چراکه از اساس، خلق داعش، تلاشی برای جایگزینی گفتمان اسلام رحمانی غیرخسونت‌ورز با گفتمان اسلام خسونت‌ورز با اهداف خاص خود بوده‌است؛ بنابراین هژمونیک شدن گفتمان داعش، نوعی تهدید وجودی برای گفتمان جمهوری اسلامی به حساب می‌آید؛ به عبارت دیگر، هژمونیک شدن داعش در همسایگی ایران نه تنها گفتمان جمهوری اسلامی را از لحاظ گفتمانی تهدید خواهد کرد، بلکه از لحاظ نظامی نیز امنیت ملی ایران را به‌مخاطره خواهد انداخت.

به علاوه، ظهور داعش، معادلات منطقه را دستخوش تحولاتی عمیق کرده و روابط میان کشورهای منطقه از جمله رابطه ایران با عربستان سعودی و همچنین رابطه عربستان سعودی با قطر، عربستان سعودی با عراق و همچنین عربستان سعودی با سوریه را به کلی دگرگون ساخته‌است؛ این تحولات

در راستای هم‌گرایی جهان اسلام نبوده، بلکه به‌طور عمده در جهت واگرایی در جهان اسلام است؛ در تحلیل نهایی، این واگرایی در راستای منافع آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل است. درحقیقت، رویکرد داعش، وحدت و تقریب را در جهان اسلام به‌مخاطره انداخته؛ به‌عبارت دیگر، کشورهای اسلامی با ظهور داعش، مجبور شده‌اند، به‌جای وحدت سیاسی و تقریب مذهبی برای رسیدن به موضع واحد در مقابل دشمنان اسلام، اکنون سرمایه‌های نظامی، انسانی و اجتماعی خود را برای رودرویی با یکدیگر صرف‌کنند؛ با ظهور داعش و دستیابی این گروه به منابع اقتصادی و انسانی کشورهای عراق و سوریه، داعش، بخشی از منابع این کشورها را به‌منظور تضعیف دولت‌های اسلامی، به‌خصوص سوریه که در خط مقدم مقاومت قرار داشت، صرف‌کرد؛ در نتیجه برای اسرائیل، حاشیه امنیتی مطمئنی، طی سال‌های گذشته ایجاد شده؛ درحالی‌که مسلمانان در خانه خود، به نبرد با یکدیگر، مشغول شده‌اند. با توجه به اینکه داعش، دایره فعالیت‌های خود را به خاک لبنان نیز گسترش داد، اجبار جبهه مقاومت به خنثی‌سازی حضور داعش در لبنان و سوریه، درحقیقت، باعث فرسایش قدرت جبهه مقاومت و صرف سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و نظامی آن در مقابل داعش، به‌جای رویارویی با صهیونیسم شد؛ به‌عبارت دیگر، حضور داعش باعث تقویت صهیونیسم و تضعیف جبهه مقاومت می‌شود چراکه منازعه میان اسلام و امپریالیسم و صهیونیسم را به منازعه میان کشورهای اسلامی و به درون امت اسلامی منتقل کرده‌است.

البته تأثیر فعالیت‌های داعش، تنها در چالش‌آفرینی‌های آن، ضد جمهوری اسلامی، خلاصه نمی‌شود بلکه فرصت‌هایی گوناگون نیز برای ایران اسلامی در عرصه‌های مختلف به‌وجود آورده‌است؛ از جمله این فرصت‌ها می‌توان از آشکار شدن ماهیت غیرخوشونت‌ورز و ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت، تثبیت قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و فراهم شدن زمینه‌های تعامل غرب با جمهوری اسلامی ایران در زمینه مبارزه با تروریسم یاد کرد.

شکست‌های اخیر تکفیری‌ها در دو کشور عراق و سوریه، نشان‌دهنده عدم توانایی این گروه در اجرای سیاست‌های غرب و حامیان صهیونیستی و عرب آنها از یک‌طرف و برجسته‌تر شدن قدرت جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت از طرف دیگر است؛ اگرچه حوادث اخیر در سوریه و عراق، نویدبخش نابودی داعش در آینده‌ای نه‌چندان دور است و اینک فرصت‌های برجامانده از فعالیت این گروه تروریستی بر چالش‌های آن فزونی دارد، نباید از دو چالش اساسی در آینده، غافل بود؛ اول، نسل خوشونت‌گرای جدیدی است که تحت تأثیر ایدئولوژی خوشونت‌ورز داعش قرار داشته و دارد؛ در واقع،

نابودی داعش و دیگر گروه‌های تروریستی، خاتمه‌بخش افراط‌گرایی در آینده نخواهد بود و روح تروریستی این گروه در اشکالی دیگر جلوه‌خواهد کرد؛ چالشی دیگر که جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای محور مقاومت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ساختار سیاسی عراق و سوریه است که در صورت عدم توجه مناسب می‌تواند زمینه را برای یارگیری مجدد گروه‌های افراطی از میان جوانان این کشورها فراهم آورد.

منابع

۱- منابع عربی

- ابن حجر، احمد بن علی (۱۴۱۴)؛ *الدرر الکامنه فی أعيان المائه الثامنه*؛ بیروت: دارالجلیل.
 - پولی، میشل و خالد دوران (۱۳۸۰)؛ *بن لادن کیست؟*؛ ترجمه مهشید میرمعزی؛ تهران: روزنه.
 - شوکانی، محمد (۱۴۲۹)؛ *البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع*؛ بیروت: دار ابن کثیر، جلد ۱.
- ۲- منابع فارسی
- تودنهوفر، یورگن (۱۳۹۴)؛ *ده روز با داعش*؛ از درون دولت اسلامی؛ ترجمه علی عبداللهی و زهرا معین‌الدینی؛ تهران: انتشارات کتاب کوله‌پشتی.
 - خمینی، روح الله (۱۳۶۵)، شوون و اختیارات ولی فقیه ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب *البيع*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
 - دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۲)؛ *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*؛ تهران: سمت.
 - رضایی فرامانی، رسول (۱۳۹۴)؛ «تأثیرات ظهور گروه‌های تکفیری داعش در خاورمیانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *مجموعه مقالات هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران*؛ *همدلی اقوام ایرانی: انسجام و اقتدار ملی*؛ سندج، ۲۰ و ۲۱ مهرماه.

- زارعی، محمد (تابستان ۱۳۹۴)؛ «سیر تحول و تطور گروه‌های تکفیری»، **فصلنامه مطالعات**

راهبردی جهان اسلام؛ سال شانزدهم، دوره ۲، پیاپی ۶۲، ص ۱۳۹ تا ۱۸۶.

- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶)؛ **عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران**؛ تهران: مرکز پژوهش‌های

علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

- سیدنژاد، سید باقر (بهار ۱۳۸۹)؛ «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»،

فصلنامه مطالعات راهبردی؛ دوره ۱۳، شماره ۴۷، بهار ۱۳۸۹، صفحه ۹۵-۱۲۲

- فاخری، هادی (۱۳۹۴)؛ «در برابر گفتمان تکفیر و ترور: بررسی گفتمان گروه‌ها و جریان‌ات

تکفیری و مقایسه آن با گفتمان اصیل انقلاب اسلامی»، **دوماهنامه سیاسی و فرهنگی اشارت**؛

سال چهارم شماره ۱۸، ص ۸۶ تا ۸۹.

- مسجدجامعی، محمد (۱۳۸۶)؛ «تحولات اندیشه سلفی در دوران معاصر: کدامین آینده؟»،

سخنرانی ۱۳۸۶/۱۱/۲؛ دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.

- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷)؛ **صحیفه امام**؛ ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی (ره).

۳- منابع الکترونیکی

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳)؛ «مصاحبه هنگام مرخص شدن از بیمارستان»، ۱۳۹۳/۶/۲۳؛

Khamenei.ir، تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۵ / ۶ / ۱۱.

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳)؛ «بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره جهانی جریان‌های افراطی

و تکفیری از دیدگاه علمی اسلام»، ۱۳۹۳/۹/۴؛ Khamenei.ir، تاریخ مراجعه به سایت: ۶/۱۱/۱۳۹۵.

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴)؛ «بیانات در مراسم بیست‌وششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)»؛ ۱۳۹۴/۳/۱۴، Khamenei.ir، تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۵/۶/۱۱.

- - دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۴)؛ «چرا ایران به مذاکرات صلح سوریه دعوت شد؟»؛ <http://www.irdiplomacy.ir/fa>، تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۵/۴/۱۲.

- - صفوی، رحیم (۱۳۹۳)؛ «گسترش نفوذ ایران تا مدیترانه، مرز دفاعی ما در جنوب لبنان است»، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930212000301>؛ 1393/2/12، تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۵/۵/۱۰.

- Almanar (2014), "France Urges Iran, Other Countries to Join Fight against ISIL," August 20, 2014, <http://archive.almanar.com.lb/English>, retrieved on September 1, 2016.
- Benotman, Noman & Malik, Nikita (2016). The Children of Islamic State, London: Quilliam Foundation www.quilliamfoundation.org, retrieved on September 5, 2016.
- Biden, Joseph R. and Gelbmay, Leslie H. (2006), "Unity Through Autonomy in Iraq," The New York Times, May 1, 2006, <http://www.nytimes.com>, retrieved on September 1, 2016.
- Nichols, Michelle (2015), "U.N. Invites Syrian Parties to Geneva Peace Talks in May," April 24, 2015, <http://www.reuters.com>, retrieved on August 8, 2017.

- Chmaytelli, Maher & Coles Isable (2016). "Post-Islamic State Iraq Should Be Split in Three," June 16, 2016, <http://www.reuters.com>, retrieved on September 5, 2016.
- Ben-Ephraim, Shaiel (2014), "Why ISIS is Actually Good for U.S. Strategy in the Region," www.academia.edu, August 26, 2014, retrieved on August 8, 2017.
- Dearden, Lizzie (2016), "Isis Training Children of Foreign Fighters to Become 'Next Generation' of Terrorists," July 29, <http://www.independent.co.uk>, retrieved on September 4, 2016.
- ESCWA (2014), "UN: Rebuilding Syria, Iraq and Gaza Will Cost \$750bn," The United Nations Economic and Social Commission for Western Asia (ESCWA), <https://www.middleeastmonitor.com>, September 16, retrieved on October 25, 2017.
- Giovanni, Janine DI (2014), "Nemesis: The Shadowy Iranian Training Shia Militias in Iraq," November 27, 2014, <http://www.newsweek.com>, retrieved on August 21, 2016.
- Javier, E. David (2017), "US-Saudi Arabia Seal Weapons Deal Worth Nearly \$110 Billion Immediately, \$350 Billion Over 10 Years," <https://www.cnbc.com>, May 20, 2017, retrieved on September 7, 2017.
- Middleeasteye (2015), "Kerry: Assad Must Go, But When Is Negotiable," September 19, 2015, <http://www.middleeasteye.net>, retrieved on September 4, 2016.

- Moore, Jack (2016), "More than 31,000 Pregnant Women Under Islamic State Rule in Iraq and Syria," July 3, www.newsweek.com, retrieved on July 17, 2016.
- Roberts, Dan (2015), "Iran Could Join Syria Peace Talks after US Drops Longstanding Opposition," October 27, 2017. [https:// www. Theguardian.com](https://www.theguardian.com), retrieved on September 1, 2016.